

نقد بیژن عبدالکریمی به نوع مواجهه روشنفکری ایرانی با محور مقاومت

در اسارت ایدئولوژی غرب

صفحه ۵

شنبه ۲۲ دی ۱۴۰۳ | ۱۴ رجب ۱۴۴۴ | ۱۱ ژانویه ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۲۲۸ | ۸ صفحه | ۵۰۰ تومان



تیتُر های امر وُر

فرمانده سپاه تهران بزرگ در گفت‌وگو با «وطن امروز» دربارهٔ رزمایش راهبان قدس توضیح داد **۲۰۰ هزار بسیجی تهرانی آماده علیه تل آویو**

خط و نشان بسیج پایتخت



صفحه ۲

«وطن امروز» گزارش می‌دهد

چالش‌های عون در بعدا

گزارش «وطن امروز» از ادامه ناسامانی بازار تلفن همراه با وجود آزادسازی واردات موبایل آمریکایی

آیفون تراپی جواب نداد!

صفحه ۳

واکنش‌ها به اظهارات سخیف الهام علی‌اف علیه آیت‌الله عاملی ادامه دارد

همسایه‌ها و ماهیه آسایش دشمن!

صفحه ۴

چرا ایمن متوقف نمی‌شود؟

نگاه

مهدی افراز

توسعه‌نیافتگی بزرگ‌ترین امکان یمن برای عدم توقف در مسیر حمایت از مقاومت غزه بوده است. یمن تنها نیرویی است که در طول ۱۵ ماه گذشته، موفق شده‌به‌صورت پیوسته‌بانگ متوعی از سرمایه‌های اسرائیل و حامیانش را مورد هدف قرار بدهد. آمریکا برای سرد کردن سرب‌هایی که علیه‌اش داغ می‌شوند، همواره از الگوهایی استفاده می‌کند که یمن خود را خارج از آنها تعریف کرده است. در صنعا هیچ سفارتخانه غربی وجود ندارد، هیچ درآمدی از این کشور در فدرال زرزو بلوکه نمی‌شود، هیچ تهاجمانه مشترکی برای توسعه میادین نفتی و گازی مارب و حضرموت با توتال، بریتیش پترولیوم و هانت منعقد نشده است، در بندر الحدیده هیچ مگاپروژه‌های مبتنی بر طرح کوئیز با سرمایه‌گذاری آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده وجود ندارد، در یمن طبقه متوسط حقوق‌بگیری شکل نگرفته که پرداخت می‌شود. حقوق‌بگیرانه تسهیلات ساختاری و تسهیلات مالی در گرو برنامه تسهیلات ساختاری و تسهیلات مالی تمدید شده با صندوق بین‌المللی پول باشد، در حجه، عمران و صنعا هیچ پیشران صنعت اروپایی راه‌اندازی نشده‌است که تحریم‌ها اختلالی در زنجیره تامین آن ایجاد کند، یمن بازار مصرف فریبی ندارد که در عین منجمد بودن روند صادرات، تراز تجاری آن دچار کسری عجیب و غریبی شده باشد، هیچ طرح توسعه شهری در ساحل دریای سرخ تدوین نشده‌است که برای تامین منابع آن وزارت دارایی یمن مجبور به استقراض مالی از بانک جهانی و یا شریک کردن اتحادیه اروپایی در آنها باشد و… سودای توسعه و قرارگیری در وضعیت ذهنی عقب‌ماندگی، مهم‌ترین امکان غرب برای تحمیل حکمرانی مطلوبش در کشورهای غیرغربی است. سیاست‌های توسعه پایدار، ابزارهای صورت‌بندی شده‌ای از ایدئولوژی آمریکایی برای کنترل رفتارها در جهان سوم است. این سیاست‌ها بدون توسل به نظامی‌گری، ضمانت‌های لازم را برای همراهی با سناریوهای جهانی تامین می‌کند. توسعه‌یافتگی به عنوان انتزاعی بی‌معنا، اهرم تمام عقلائیت‌ها، رفتارها و سازوکارهای کنترلی شده و جهان اسلام را با شرکت‌های صهیونیستی چمپلیتی هم‌سرنوشت کرده است. امروز جهان اسلام بیمار سیلستانی است که پس از جنگ دوم جهانی در پیش گرفته شد. افسانه‌ای که به نام توسعه برای ملت‌های مسلمان تصویرسازی شده، الفیای اداره از هم از دسترس دولت‌ها خارج کرده است. دست و پا زدن بی‌پایان مصر، اردن، لیبی، عراق و لبنان در بحران‌های داخلی، بدهی‌های خارجی و اتکار یمن استقلال ملی، اطمینانی است برای اینکه طبق مسیر عقلائیات و پایادتری برای پیشرفت و ترقی خود در پیش گرفته است.

ادامه در صفحه ۸

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۳۰سال و ۱۱۶روز گذشت |

ساعت ۸ سقوط

چگونه یک میهمانی و تجمعات فرهنگی آن از دی ۵۶ تا دی ۵۷ مسیر سرنگونی پهلوی را هموار کرد

صفحه ۸

ولادت باسعادت ابن‌الرضا حضرت جوادالائمه علیه‌السلام را شادباش می‌گوییم

یک‌بام و آهوی راویان غربی بحران یادداشت روز مصطفی نصری

در روزهای اخیر، آتش‌سوزی‌های گسترده‌ای در مناطق مختلف لس‌آنجلس رخ داد که خسارات جانی و مالی سنگینی بر جا گذاشت که برخی رقم این خسارات را تا ۱۵۰ میلیارد دلار گزارش کرده‌اند. در عین حال ضعف مدیریت بحران و نارسایی تجهیزات آتش‌نشانی، موجی از انتقادات را در داخل ایالات متحده به دنبال داشت. در این میان موضوعی که از نگاه رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور کمتر مورد توجه قرار گرفت، سوءمدیریتی بود که این قاجعه را تشدید کرد. این مساله بهانه‌ای است تا بار دیگر به استاندارد دوگانه این رسانه‌ها و جریان‌های ضدایرانی در مواجهه با بحران‌های مشابه بپردازیم. این ماجرا بار دیگر نشان داد رسانه‌های معاند و جریان‌های ضدانقلاب، نه در راستای دلسوزی برای مردم ایران، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تضعیف روحیه ملی و ایجاد بحرن‌های روانی عمل می‌کنند.استاندارد دوگانه آنها در پوشش بحران‌های مشابه، نشان‌دهنده رویکرد غیراخلاقی و هدفدار این جریان‌هاست. حال آنکه بحران‌های طبیعی در هر کشوری رخ می‌دهد و مدیریت آنها نیازمند زمان و منابع کافی است. بزرگ‌نمایی مشکلات ایران در رسانه‌های معاند، تنها بخشی از پروژه‌ای است که هدف آن، ناامیدسازی و ایجاد بی‌اعتمادی در میان مردم است.

■ **واقعیت بحران در لس‌آنجلس**

در جریان این آتش‌سوزی‌ها، گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه تجهیزات آتش‌نشانی در برخی مناطق به دلیل ارسال بخشی از آنها به اوکراین کافی نبود. همچنین مخازن آب برخی ایستگاه‌های آتش‌نشانی خالی بوده که باعث تأخیر در اطفای حریق و افزایش خسارات شده است. این در حالی است که آمریکا به‌عنوان یکی از کشورهای پیشرفته جهان شناخته می‌شود و انتظار می‌رود چنین کاستی‌هایی در مدیریت بحران در آن رخ ندهد اما درباره حادثه آتش‌سوزی لس‌آنجلس رسانه‌های خارجی که معمولاً کوچک‌ترین حادثه‌ای در ایران را دستمایه حمله به ساختار مدیریتی کشور می‌کنند، این بار با لحنی ملایم به موضوع پرداختند و حتی برخی از آنها این اتفاق را «بخشی طبیعی از زندگی در آمریکا» خواندند.

■ **اگر این اتفاق در ایران رخ می‌داد…**

تصور کنید چنین حادثه‌ای با همین ابعاد و شرایط در ایران رخ می‌داد. شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان به سرعت پخش زنده و ویژه‌برنامه‌هایی را برای پوشش لحظه به لحظه این بحران ترتیب می‌دادند و ضمن برجسته‌سازی سوءمدیریت، هر گونه تلاش داخلی برای مهار بحران را کپارزش جلوه می‌دادند. این رسانه‌ها با دعوت از چهره‌های ضدایرانی و تحلیلگران مقیم خارج، روایت‌های تکراری خود مبنی بر ناکارآمدی ساختار حکومتی ایران را بار بار تکرار می‌کردند. فضای ناامیدی و بی‌اعتمادی را در میان مردم تشدید می‌کردند. ویدئوها و تصاویری دست‌چین‌شده از لحظات بحرانی، هزاران بار بازنشر می‌شد و هشته‌گهایی نظیر «مدیریت بحران»، «فساد سیستماتیک» و «سقوط نظام» ترند می‌شد. یکی از ویژگی‌های بارز رسانه‌های معاند،دامن‌زدن به جریان خودتحمیری در میان مردم ایران است. این جریان به گونه‌ای عمل می‌کرد که گویی هیچ کشوری در دنیا با بحران‌هایی از این دست مواجه نمی‌شود و صرفاً در ایران چنین فجایعی رخ می‌دهد. افرادی که معمولاً در هر حادثه داخلی خواهان مداخله خارجی هستند، این بار نیز با برجسته‌سازی ضعف‌ها، القا می‌کردند «ایران به مدیریت خارجی نیاز دارد».

■ **دستور کار رسانه‌های داخلی برای مقابله با رویکرد ضدایرانی**

به‌منظور مقابله با رویکرد ضد ایرانی رسانه‌های جزی، رسانه‌های داخلی باید ۲ دستور کار اصلی را در نظر بگیرند: اول، رسانه‌های داخلی باید با تأکید بر اقدامات موفق و موثر ایران در مواجهه با بحران‌ها، فرصت را برای همواره به مطلوب رسانه‌های غربی به‌طور کامل مسدود کنند. این اقدام می‌تواند شامل پوشش گسترده و مستند تلاش‌های دولت و نهادهای مختلف در مدیریت بحران‌ها باشد تا نشان داده شود ایران نیز همانند دیگر کشورها، توانایی مقابله با چالش‌ها را دارد و در برخی موارد حتی فراتر از انتظار عمل کرده است. نمونه این موفقیت را در ماجرای مهار کرونا در کشور آن هم در حالی که آمریکا تا مدت‌ها بعد در حال دادن تلفات بود مشاهده کردیم. دستورالعمل دوم برای مهار رویکرد رسانه‌های ضد ایرانی این است که در موارد مشابه همچون آتش‌سوزی‌های اخیر در لس‌آنجلس، رسانه‌های داخلی به شکلی فعال و هوشمندانه رویکرد دوگانه رسانه‌های غربی را تشریح کنند. باید بر تفاوت‌های آشکار در نحوه پوشش بحران‌ها در ایران و سایر کشورهای غربی تأکید شود و بازی متناقض رسانه‌های غربی در ارائه اخبار را رسوا کرد. با تحلیل و بررسی دقیق پوشش بحران‌های مشابه در سایر کشورها و مقایسه آن با نحوه برخورد با بحران‌ها در ایران، رسانه‌های داخلی می‌توانند این نقاب را از چهره رسانه‌های معاند برداشته و نشان دهند هدف این رسانه‌ها تنها تخریب تصویر ایران است و نه پوشش درست و بی‌طرفانه اخبار.

شعله‌های خشم آتش همچنان لس آنجلس را درمی‌نوردد؛ دولت آمریکا و مقامات محلی عاجز از مهار آتش نیوزویک: تجهیزات اطفای حریق آتش‌نشان‌های کالیفرنیا سال ۲۰۲۲ به اوکراین ارسال شد

شهر جهنمی

صفحه ۷



استثنا در مقام قاعده: درباره ضرورت احیا و تثبیت قانون

مسائل غیرسیاسی، راه‌حل‌های سیاسی

شخص رئیس قوه‌مجریه در اجرای تصمیماتی که دارد باید از جهت شخصی نگران میراث خود باشد. میراث رؤسای جمهور از جنس میراث سیاسی است. میراث سیاسی رؤسای جمهور را به اعتبار کاری که در ارتباط با امر جمعی انجام داده‌اند مشخص می‌کنند. یعنی برای اینکه توفیق یا عدم توفیق یک رئیس‌جمهور در زمامداری را معلوم کنند، عموماً این مساله را در نظر می‌گیرند که سیاست‌های دولت او تا چه اندازه‌ای در محقق کردن خیر عمومی یا خیر دولت موفق بوده است. در عین حال برای انجام دادن این کار ۲ معیار اساسی را در نظر می‌گیرند:اول نقشی که سیاست‌های اجرایی او در پیشبرد طرح کلی زندگی جمعی در یک واحد سیاسی داشته است و دوم مسیره‌های جمعی و افق‌های عمومی که تحت تأثیر این سیاست‌ها در مقابل یک مردم قرار گرفته است. از این جهت و در درجه نخست، باید این موضوع را در نظر گرفت که وقتی صحبت از میراث رؤسای جمهور می‌شود،موضوع طرح کلی و دورنمای تاریخی سیاست‌های اجرا شده توسط او از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است:هر سیاستی در یک بستر عام از روابط و در طول زمان اجرا شده و عمل می‌کند. از این جهت هر نوع مداخله دولتی توسط قوه مجریه باید این ۲ مساله اساسی را در نظر بگیرد. یعنی در درجه نخست باید این موضوع را همواره در ذهن حاضر داشته باشد که سیاست‌هایی مورد نظر در یک طرح عام و کلی و در یک بستر زمانی بلندمدت معنا پیدا خواهند کرد، لذا در کنار مدیران تکنوکراتی ممکن است در دولت‌های مختلف به فعالیت مشغول باشند، همچنین به متخصصانی در علوم انسانی نیاز داریم که بتوانند اولاً این طرح کلی و عام را شناسایی کرده، در ثانی مناسبات میان عناصر مختلف دولت در طول زمان را تشخیص دهند.

برداختن به درد - نشان‌هایی که در حوزه‌های مختلف از زندگی امروز ما وجود دارند با مخالفت‌هایی از سوی برخی سیاستمداران یا کارشناسان تأثیرگذار در امر تصمیم‌گیری روبه‌رو شوند. این مخالفت‌ها عموماً به‌جای اینکه مخالفت‌هایی سیاسی یا مغرضانه باشند، از دغدغه‌هایی واقعی نیرو می‌گیرند؛ مخالفت‌هایی از طرف کسانی که بدرستی نگران تغییراتی هستند که مداخلات دولتی ممکن است در بخش‌های مختلف از بدنی رنجور ایجاد کند.موضوع مهمی که در این زمینه باید به آن توجه کرد این است که هر شکلی از مداخله سخت در یکی از حوزه‌هایی که به آنها اشاره کردیم، می‌تواند تغییراتی غیرقابل‌پیش‌بینی در مجموعه بدن واحد سیاسی ایجاد کند. درست در همین معناست که من فکر می‌کنم نباید با مخالفت‌ها یا مقاومت‌هایی که در مقابل میل بدنه کارشناسی دولت چهاردهم به تغییر صورت می‌گیرد برخوردی سیاسی داشت، بلکه باید آنها را به‌عنوان موضع مهمی در نظر گرفت که مسیر ما را به سمت تشخیص درست بیماری همواره می‌کند یا حداقل ما را از مداخلاتی که می‌تواند وضع عمومی حاکم بر همه بدن را به خطر بیندازد برحذر دارد. از این جهت من پیشنهاد می‌کنم مجموعه بدنه کارشناسی دولت چهاردهم این مخالفت‌ها را به‌عنوان نوعی دعوت برای دنبال کردن درد - نشان‌هایی که در ظاهر وضعیت ما مشاهده می‌شود در نظر بگیرد، حتی اگر مخالفان شناسنامه‌دار دولت از آنها دفاع می‌کنند.

■ **موضوعی که شخصی نیست:میراث رؤسای جمهور**
این واقعیت دارد که کارنامه دولت‌ها را به اعتبار تصمیماتی که اتخاذ کرده‌اند یا کارهایی که از انجام آنها سر باز می‌زنند مورد ارزیابی قرار می‌دهند. از این جهت تا جایی که به روسای جمهور بلژی می‌گردد، مساله اصلی شخصاً نیست. یعنی اینطور نیست که بگوییم

یادداشت
حمید ملکزاده

مجموعه‌ای از بیماری‌ها هستند که تن رنجور سیاست در ایران از آنها متأثر است. این مجموعه به‌هم‌پیوسته از بیماری‌ها کار سیاست‌ورزی اصلاحی در کشور ما را با مشکلاتی اساسی روبه‌رو می‌کند. اخیراً دکتر مسعود پزشکیان این مساله را در گزاره ساده‌شده‌ای بیان کرده بود. رئیس دولت چهاردهم در یکی از سخنرانی‌های خود اینطور اعلام کرده بود که هر بار قصد می‌کند درباره یکی از ناترازی‌های موجود در کشور اقدامی به عمل آورد، با مخالفتی از سوی برخی از بدنه دولت مواجه می‌شود. این عبارت از جهتی ممکن است به‌عنوان چیزی شبیه به این فهمیده شود که «کسانی هستند که مانع اجرای سیاست‌های مورد نظر دولت می‌شوند». با وجود این من فکر می‌کنم می‌توان این عبارت را به معنایی دقیق‌تر فهمید. در این معنای دقیق‌تر باید پاراز مناقشات سیاسی مرسوم میان گروه‌های رقیب فراتر گذاشت. انجام دادن این کار تنها در صورتی ممکن می‌شود که نگاه دقیق‌تری به آنچه به‌عنوان «ناترازی» در حوزه‌های مختلف از زندگی ایرانیان مطرح می‌شود انداخته باشیم. در نگاه دقیق‌تری که من از آن صحبت می‌کنم، ناترازی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را باید به‌عنوان درد - نشان‌های مشهود یک بیماری پنهان فهمید.برای اینکه شناخت بهتری از این بیماری پنهان به دست آوریم، باید فراتر همه چیزهایی که درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌گوییم بر موضوع سیاست متمرکز شویم. همه مشکلات ماریشه سیاسی دارند.

■ **درد - نشان‌ها را دنبال کن**

اصلاً بعید نیست هر تلاشی از سوی دولت برای